

تاریخ مختصر اندیشه

راهنمای فلسفی زیستن

لوک فری

ترجمه

افشین خاکسار

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران- ۱۳۹۴

تاریخ مختصر اندیشه

راهنمای فلسفی زیستن

ترجمه

افشین خاکباز

از

A Brief History of Thought
A Philosophical Guide to Living

Luc Ferry

Harper Perennial, New York, 2011

فهرست کتب

تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده

تاریخ ۸۸۷۴۰۹۹۱

پایه اول

سازمان

طرح یونیفورم جلد

از ویراستاران

مترجم فکور

کتابخانه

ناظر چاپ

ناشر از کمک‌ها علمی متر میثم محمدامینی سپاسگزاری می‌کند.

همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

عنوان و نام پدیدآور

تاریخ مختصر اندیشه: راهنمای فلسفی زیستن، لوسی فری؛

ترجمه افشین خاکباز.

تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۴.

۲۶۴ ص.

کتابخانه فلسفه زندگی؛

۹۷۸-۶۰۰-۷۴۳۹-۳۱-۹

فیپای مختصر

خاکباز، افشین، ۱۳۴۳، مترجم

۳۸۲۱۸۳۴

وضعیت فهرست‌نویسی

شناسه افزوده

شماره کتاب‌شناسی ملی

مرکز پخش آسیم

تلفن و دورنگار ۸۸۷۴۰۹۹۲-۵

قیمت ۲۰۰۰۰ تومان

پیشگفتار {۹}

مقدمه {۱۵}

فلسفه چیست؟ {۱۹}

مسئله رستگاری

فلسفه و دین

سه جنبه فلسفه

«معجزه یونانی» {۳۳}

مویه یا اندیشه در باب نظم کیهانی

اخلاق: نظام عدالت بر مبنای نظم کیهانی

از عشق به حکمت تا کار بست آن

تمایز چنانچه حکمت

بارگذاشته و راسخ می آید

«کمی کمز امیدوارش و کمی بیش تر عشق بورز»

دل نبستن

هر گاه شمشیر فاجعه فرو نهد آماده ام

پیروزی مسیحیت بر فلسفه یونانی {۷}

جایگاه ایمان و عقل در دین

تولد مفهوم مدرن انسانیت

رستگاری از راه عشق

انسان گرایی، یا تولد فلسفه مدرن {۹۹}

نظریه نوین معرفت

انقلابی در زندگی اخلاقی

تفاوت بین حیوان و انسان در اندیشه های روسو

سه پیامد تمایز جدید بین انسان و حیوان

میراث روسو: انسان در جایگاه «جانوری طبیعت زدایی شده»

اخلاق کانتی و بنیان های آرمان جمهوری

الگوهای اشراف سالارانه و شایسته سالارانه

منشأ فلسفه مدرن

از پرسش‌های اخلاقی تا مسئله رستگاری

ظهور معنویت مدرن

پست‌مدرنیته: مورد نیچه {۱۴۳}

«حکمت شادان»: رها از کیهان به سامان، خدا و «بت‌های» عقل

نظریه معرفت: تبارشناسی به‌جای نظریه

جهان پرآشوب، بدون کیهان بسامان یا خدا

نفی جهان مرئی

تصویر «اشراف‌سالارانه»ی جهان

فراسوی خیر و شر

اراده معطوف به قدرت

ثالی ملموس از «منش والا»

مفهوم جدید رستگاری

رگشت نظریه رستگاری بدون خدایان یا بت‌ها

منش به تنهایی

معصومیت سرافراز

نیچه: نقد و تفسیر

پس از شالوده‌شکنی: فلسفه معاصر {۱۹۳}

نخستین امکان فلسفه معاصر

عبور از شالوده‌شکنی

ظهور «جهان فناوری» و عقب‌نشینی

از علم تا فناوری: محو غایت‌ها و پیروزی ابزار

گذار از علم به فناوری: مرگ اندیشه‌های بزرگ

دو مسیر احتمالی برای فلسفه معاصر

ناکامی ماده‌باوری

به سوی مفهوم جدید تعالی

خداسازی انسان

بازاندیشی در رستگاری

در پایان {۲۵۳}

کتاب‌شناسی {۲۵۷}

نام‌نامه {۲۵۹}

{ پیشگفتار }

فلسفه یکی از رشته‌های ایتی است که به نظر می‌رسد بیشترین فاصله را با زندگی روزمره انسان‌ها داشته باشد و شاید یکی از دلایل چنین استنباطی این باشد که بسیاری از فیلسوفان به‌ویژه در ایران، خود را به بحث درباره مسائل نظری محدود کرده و تلاش بایسته‌ای برای ایجاد ارتباط میان حوزه نظر و زندگی مردمان انجام نداده‌اند. همین مسئله سبب گردیده است تا فلسفه نتواند یکی از رسالت‌های اصلی خود را، که کمک به معنا و جهت دادن به زندگی انسان‌ها و تأثیرگذاری بر نگرش آن‌هاست، ايفا کند.

تاریخ مختصر اندیشه: راهنمای فلسفی زیستن را پروف. لور لوک فری، فیلسوف فرانسوی و طرفدار برجسته انسان‌گرایی غیردینی، نوشته که پس از انتشار هشت ماه در فهرست کتاب‌های پرفروش فرانسه قرار گرفته است. تاریخ مختصر اندیشه از کتاب‌هایی است که با هدف پل زدن بین فلسفه و زندگی روزمره نگاشته شده و به زبانی شیوا، و با پرهیز از آنچه نگارنده کتاب فضل‌فروشی با استفاده از واژگان فلسفی می‌نامد، می‌کوشد تا آموزه‌های ماندگار فلسفه از جمله اهمیت آن در زندگی امروزی و نقش اساسی آن در دستیابی به سعادت و زندگی توأم با معنا را توضیح دهد. لوک فری در این کتاب نشان می‌دهد که بر خلاف آنچه بسیاری می‌پندارند،

فلسفه و پرسش‌های فلسفی در تار و پود زندگی انسان تنیده‌اند و نمی‌توان از رویارویی با این پرسش‌ها گریخت.

دکتر فری در این کتاب تاریخ فلسفه را به پنج دوره فلسفه یونان باستان، فلسفه مسیحیت، اومانیسم عصر روشنگری، پسامدرنیته، و پساساختارزدایی تقسیم می‌کند و می‌کوشد به زبانی ساده، و البته دقیق، باورهای اصلی هر یک از این دوره‌ها و نقاط قوت و ضعف آن‌ها را بیان کند. انسان موجودی میرا و فانی است و تلاش انسان برای رویارویی با این مسئله عدّه‌ای اصلی فلسفه است. لوک فری تفکر فلسفی را بهترین امکان برای زندگی خوب و غلبه بر ترس از مرگ می‌داند، ولی به جای این که نظام فلسفی خام را به عنوان پاسخ نهایی به شرایط انسانی پیشنهاد کند، معتقد است که رستگاری در تعامل و خودشناسی و جهان‌شناسی روزافزون انسان نهفته است و هنگامی که بر چنین درکی نائل شویم، می‌توانیم واقعیت مرگ را نیز بپذیریم و در جستجوی عمیق و حکمت راستین برآیم.

لوک فری با بررسی مسئله دغدغه مرگ افراد عادی را با دنیای فلسفه آشنا می‌کند و درهای دنیای عمیق تفکر فلسفی را بر روی ما می‌گشاید و به کسانی که با این حوزه آشنا نیستند کمک می‌کند تا بتوانند راه خود را در میان امواج دریای طوفانی اندیشه‌های فلسفی بیابند. او بیش از آن که به دنبال تحمیل فلسفه مشخصی به عنوان فلسفه برتر باشد، ضمن آشنا ساختن ما با اندیشه‌های فلسفی اعصار مختلف می‌کوشد تا ما را با روش نقد اندیشه‌های فلسفی آشنا کند. به باور او برای پذیرش یا عدم پذیرش هر اندیشه‌ای، باید ابتدا آن را درک کرد و تنها راه این کار وسعت بخشیدن به افق اندیشه با فاصله گرفتن از باورهای خویش و تلاش برای نگرستن به جهان از نظرگاه طرفداران دیدگاهی است که در تقابل با دیدگاه شما قرار دارد. بدین ترتیب، او ضمن باور خود به این که هیچ‌یک از نظریه‌های رستگاری مکاتب فلسفی مختلف به پای نظریه رستگاری مسیحیت نمی‌رسند؛ با این

استدلال که تعقل، که تنها ابزار فلسفه است، به کار ایمان دینی نمی‌آید و ایمان دینی نیز گرهی از کار فلسفه باز نمی‌کند، در کسوت یک فیلسوف از پذیرش این نظریه خودداری می‌کند، چون به باور او توضیحی که مسیحیت ارائه می‌دهد به جای تعقل بر تعبد استوار است و بنابراین در حوزه فلسفه، که تنها بر تعقل متکی است، نمی‌گنجد.

لکه فری با بررسی آرای کانت و روسو و نیچه و هایدگر، عنوان بنیان‌گذاران مکاتب فلسفی دوران روشنگری و پسامدرنیته و پی‌ساختارزدایی، ضمن بررسی نقاط قوت هر یک از این مکاتب، سیر فلسفه از دوران مدرن تا اکنون را به تصویر می‌کشد. نشان می‌دهد که چگونه فلسفه، که زمانی مابعدی حل اصلی‌ترین دغدغه انسان، یعنی مسئله مرگ و رستگاری بود و از راه رانج‌بار خود می‌دانست، در دستان نیچه و سایر فیلسوفان تردید، به پتک برای شکستن آرمان‌هایی تبدیل شد که خود بت بودند. ولی این بت‌شکن، تا به آن جا رسید که هیچ معنا و اندیشه‌ای از گزند آن در امان نماند و در دنیایی که از هرگونه معنا تهی شده بود، نقد بت‌ها را به تقدیس وضعیت موجود تبدیل کرد. به این ترتیب، ناخواسته راه را برای ترک‌تازی کاپیتالیسم هموار ساخت و، در نهایت، ما را از کیهان هوشمند فلسفه یونان باستان به جهان بی‌معنای فکری و دنیایی که با مرگ اندیشه‌های بزرگ و نشستن ابزارها به جای غایات، از هرگونه معنایی تهی شده، تکنیک را به جای حکمت نشانده، و رقابت مستمر و بی‌پایان تکنیکی را به تنها اصل سامان‌بخش جهان تبدیل کرده است.

در چنین دنیایی فلسفه نیز، که خود وامدار تکنیک است، به علم در میان سایر علوم تبدیل شد و خود را به رشته‌های تخصصی مختلفی همچون فلسفه علم، فلسفه منطق، فلسفه حقوق، فلسفه اخلاق، فلسفه سیاست، فلسفه دین و چندین رشته تخصصی دیگر تقسیم کرد و کار را به جایی رساند که نیچه به طعنه از رشته شناخت «مغز زالوها» سخن گفت. به این ترتیب،

فلسفه از آرزوی بزرگ تولید نظریه رستگاری و دغدغه مرگ دست شست و با اکتفا به تلاش برای پاسخگویی به پرسش‌هایی که خود مطرح نکرده، به علمی در سطح سایر علوم تنزل یافت.

ولی پذیرش چنین وضعیتی به معنای پذیرش این است که فلسفه نیز مرده و به پایان راه رسیده و این چیزی است که لوک فری نمی‌پذیرد. او بر این باور است که باید دوباره مسائلی همچون رستگاری را در قلب فلسفه قرار دهیم و به جای فروآوردن پتک تردید بر سر آنچه از آرمان‌ها باقی ماند است، آن‌ها را دوباره، ولی نه در قامت بُت، به زندگی بازگردانیم و پرسش‌های فلسفی را، نه تنها درباره نظریه و اخلاق، بلکه درباره رستگاری زنده نگه داریم حتی اگر به معنای این باشد که رستگاری را از آسمان به زمین بیاوریم.

خواندن این کتاب، ما را با اندیشه‌های فلسفی مختلف آشنا می‌کند و زمینه مطالعه مستقل کتاب‌های مختلف را در علاقه‌مندان ایجاد می‌کند. هرچند لوک فری در زمره فیلسوفان خدا‌باور نیست، ولی همه انسان‌ها، خواه خدا‌باور باشند یا نباشند، مخاطب این کتاب‌اند. به این ترتیب، همان‌طور که او اذعان دارد، آشنایی‌اش با فلسفه دینی محدود به سیحیت است و بنابراین در احکام کلی که درباره ناسازگاری تعقل و ایمان یا به عبارت دیگر دین و فلسفه، صادر می‌کند جای بحث است، ولی این مسئله به‌زی از ارزش کار او نمی‌کاهد. باید به‌خاطر داشت که یکی از اهداف اصلی کتاب حاضر برانگیختن روح نقادی و پرسشگری و درک این نکته است که نباید هیچ ایده‌ای را بدون برهان و دلیل عقلی و صرفاً از روی احساس یا نیاز پذیرفت، و این اصلی است که نه تنها با دین و دینداری منافاتی ندارد، بلکه کاربست صحیح آن می‌تواند به تقویت ایمان دینی نیز منتهی شود. به‌ویژه در ادیانی همچون اسلام که بر تعقل تأکید بسیاری شده و، به باور برخی دانشمندان دینی، تقلید در اصولی همچون وحدانیت و وجود خداوند پذیرفته نیست

و چنین ایمانی حتماً باید از راه عقل به دست آید و به عبارتی، راه ایمان از وادی تردید می‌گذرد.

به گمان من نگاه نقادانه و روحیه پرسشگری را باید درباره هر اندیشه و آرمانی داشت، از جمله بسیاری از باورهایی که در این کتاب مطرح شده‌اند. همان طور که نویسنده می‌گوید، نخستین گام در این راه فاصله گرفتن از باوهای خود (نه دست‌شستن از آن‌ها)، تلاش برای نگرستن به موضوع از ریه چشمان دیگری، درک دقیق و خالی از پیش‌داوری اندیشه‌هایی که در این کتاب مطرح شده‌اند، و سپس طرح پرسش‌هایی است که شاید پاسخ به آن‌ها نوزده بازه بر مسائلی بتاباند که در این کتاب مطرح شده است: آیا هرگز فلسفه مسیحی بر فلسفه یونانی واقعاً پیروزی ضدفلسفه بر فلسفه است یا برعکس، مکتب فلسفی بر مکتبی دیگر؟ آیا پس از هزاران سال تلاش ناموفق فلسفه برای حل مسئله رستگاری، با اتکای تمام‌عیار به عقل، وقت آن نرسیده است که با یریم شاید عقل به تنهایی نمی‌تواند به این مسئله راه ببرد؟ آیا اتکا به عقل و نقل به نوعی مسئله رستگاری را از حوزه فلسفه بیرون نمی‌راند؟ آیا نباید باز رفت که فلسفه به گونه‌ای که هست، توانایی آشکار ساختن وجوه پنهان مکتبی را ندارد که هوسرل به عنوان تمثیلی از عالم هستی به کار می‌برد، و دست‌نم تا زمان که نتوان پاسخی درخور به مسئله رستگاری داد، فرود آوردن پتک فلسفه بر آوان‌های دینی و غیردینی فقط سرگشتگی انسان را افزون می‌کند؟ با توجه به این که به باور لوک فری، حاصل کار مکاتب فلسفی پسامدرن، تبعید معنا از جهان و تبدیل تلاش برای پاسخگویی به مسائل بنیادینی همچون رستگاری بوده است آیا می‌توان گفت که ضدیت فلسفه مسیحی، یا به طور کلی فلسفه دینی، با فلسفه بیشتر از ضدیت مکاتب فلسفی نوین با روح فلسفه است؟

طرح این پرسش‌ها و ده‌ها پرسش دیگر، که بعد از مطالعه آثار فیلسوفانی که در این کتاب به اندیشه‌های آن‌ها اشاره شده در برابر ما قرار می‌گیرد،

ضمن زنده نگه داشتن روح نقادی و پرسشگری در جامعه‌ای که به دلایل مختلف دیرگاهی است از نقد و پرسش می‌گریزد و برخی روشنفکران و فیلسوفانش به فضل فروشی عالمانه قناعت کرده‌اند و به‌جای این‌که پلی بین آسمان اندیشه‌های فلسفی و زمین واقعیت‌های ملموس زندگی ما بزنند، به شارحان فیلسوفانی تبدیل شده‌اند که درخت اندیشه‌شان ریشه در خاک می‌گرسد. می‌تواند به کوششی برای جلوگیری از نشستن بت‌های جدید بر تخت بت‌های کهن تبدیل شود و اجازه ندهد هیچ آرمانی به بتی دیگر تبدیل شود.

افشین خاکباز

{ مقدمه }

شب‌ی سرِ شام، بلند نفروز دوستانی که با هم گپ می‌زدیم از من خواستند تا دوره‌ای برای آموزش فلسفه طراحی کنم که همان اندازه که برای بزرگسالان مفید است برای کودکان هم مفید باشد. تصمیم گرفتم این چالش را بپذیرم و از این تصمیم راضی‌ام. این کار مرا واداشت تا به نکات اصلی بچسبم و از واژه‌های پیچیده و نقل قول‌های آسمانه و اشاره به نظریه‌های گنگ و نامفهوم خودداری کنم. همان‌طور که بدن دسرسی به کتابخانه، شرح خود از تاریخ اندیشه‌ها را می‌نوشتم، این فکر به ذهنم آمد که تا کنون چنین چیزی منتشر نشده است. البته کتاب‌های بسیاری درباره تاریخ فلسفه نوشته شده‌اند و برخی از آن‌ها عالی‌اند، ولی حتی بهترینشان هم این کسی که دانشگاه را پشت سر گذاشته و مسلماً برای کسانی که هنوز وارد دانشگاه نشده‌اند خشک و کسالت‌بار است. دیگران هم که توجه خاصی به این مسائل ندارند کتاب حاضر نتیجه مستقیم آن شب‌هایی است که با جمعی از دوستان سپری کردم، بنابراین کوشیدم سبک بالبداهه اصلی را حفظ کنم. هدف از این کار فروتنانه و در عین حال بلندپروازانه است: فروتنانه، چون برای مخاطبان غیردانشگاهی است و بلندپروازانه، چون در مواردی که ساده‌گویی به تحریف اندیشه‌های فلسفی می‌انجامد از این کار خودداری کرده‌ام. زیرا برای

شاهکارهای فلسفه چنان احترامی قائلم که نمی‌توانم تصویری کاریکاتورگونه از آن‌ها ارائه دهم. وظیفه اصلی کتابی که برای علاقه‌مندان تازه‌وارد نوشته می‌شود باید وضوح و روشنی باشد، ولی برای دستیابی به این هدف نباید حقیقت موضوع را فدا کرد، چون چنین کتابی ارزشی نخواهد داشت.

با در نظر داشتن این نکته، کوشیده‌ام متنی را به رشته تحریر درآورم که می‌خواهد تا جایی که ممکن است ساده و روشن باشد، ولی غنا و عمق اندیشه‌های فلسفی را نادیده نگیرد. هدف من تنها چشاندن مزه فلسفه و ارائه شرح سطحی یا مطالعه‌ای متأثر از روندهای مردم‌پسند نیست، بلکه می‌خواهم این اندیشه‌ها را در تمامیتشان به نمایش بگذارم تا دو نیاز را برآورده کنم: در برابر گسالی که می‌خواهد بداند موضوع فلسفه چیست ولی الزاماً نمی‌خواهد از این فضا ترود، و نیاز جوانی که امیدوار است در نهایت مطالعات خود را ادامه دهد. برای هنوز از دانشی که برای شروع مطالعه آثار پیچیده این نویسندگان ضرورت است بی‌بهره است.

در این کتاب کوشیده‌ام هر آنچه را که به نظر من در زمره ضروریات تاریخ اندیشه است، یعنی هر آنچه را دوست دارم به اعضای خانواده و کسانی که دوستان خود می‌دانم منتقل کنم. شاید دهم.

ولی چرا چنین کاری را بر عهده گرفتم؟ نخست این که حتی زیباترین منظره نیز، بی‌همدمی که بتواند در آن شریک شود به تنهایی بی‌جاذبیت خود را از دست می‌دهد. هر روز بیش‌تر متوجه این واقعیت می‌شوم که فلسفه دیگر آن چیزی نیست که زمانی «معرفت عمومی» می‌نامیدند. انسان تحصیل کرده انتظار می‌رود تاریخ ملی خود و چند منبع استاندارد ادبی و هنری را بشناسد و حتی از زیست‌شناسی یا فیزیک نیز چیزی بداند، ولی به احتمال زیاد با اپیکتتوس، اسپینوزا یا کانت آشنا نیست. به نظر من هر کسی، دست‌کم به دو دلیل ساده، باید کمی فلسفه بخواند:

نخست این که بدون فلسفه نمی‌توانیم معنای دنیایی را که در آن زندگی می‌کنیم بفهمیم. فلسفه بهترین آموزش زندگی است و حتی از تاریخ و علوم

انسانی نیز بهتر است. چرا؟ خیلی ساده است. چون همه اندیشه‌ها و باورها و ارزش‌های ما، خواه بدانیم خواه ندانیم، در درون الگوهای از جهان قرار گرفته و معنا یافته‌اند که در طول تاریخ فکری بشر ایجاد شده‌اند و بنابراین درک گستره و منطق و پیامدهای آن‌ها نیازمند درک این الگوهاست.

بسیاری بخش بزرگی از زندگی خود را در انتظار بدبختی و مصیبت، یعنی رخدادهایی همچون بیکاری و تصادف و بیماری و مرگ عزیزان و مواردی از این دست، می‌نشینند. برعکس، برخی دیگر با بی‌خیالی تمام روزگار می‌گذرانند و چنین ترس‌هایی را پندارهایی بیمارگونه می‌دانند که جایی در زندگی روزمره ندارند. آیا این دو نوع شخصیت می‌دانند که فیلسوفان یونان باستان، با استفاده از بدبختی و مصیبت، بی‌مانندی به این نگرش‌ها پرداخته‌اند؟

انتخاب انسان به سارات، گرایانه به جای اشراف‌سالارانه، زیبایی‌شناسی رمانتیک به جای کلاسیک، دلستگی یا عدم دلستگی به اشیاء و اشخاص در مواجهه با مرگ، انتخاب نگرش‌های سیاسی اقتدارگرایانه یا لیبرال، ترجیح حیوانات و طبیعت بر انسان، آرایش انسان به طبیعت وحشی در تقابل با شهر، همه این انتخاب‌ها و بسیاری دیگر، مدت‌ها قبل از این که راهی کوی و برزن شوند، نقل محافل فیلسوفان بوده‌اند. این تقسیم‌بندی‌ها، تعارضات و مسائل هنوز هم، خواه بدانیم یا نه، ریشه‌ها و واژه‌های ما را تعیین می‌کنند. مطالعه آن‌ها در شکل نابشان، و در ریشه‌های عمیق آن‌ها، به معنای این است که خود را به ابزارهای هوشمندتر شدن مسلح کنیم و مستقل‌تر شویم. چرا باید خود را از چنین ابزارهایی محروم کنیم؟

دوم این که آشنایی با متون اصلی فلسفه، علاوه بر این که ما را به درک خویش و دیگران قادر می‌سازد، کمکمان می‌کند تا بهتر و آزادتر زندگی کنیم. همان‌طور که بسیاری از اندیشمندان معاصر گفته‌اند: فلسفه بازیچه نیست و هدف آن حتی درک بهتر دنیا و جایگاه ما در آن نیز نیست، بلکه گاهی فقط «جان به در بردن» است. فلسفه است که توان پیروزی بر ترس‌هایی را به ما می‌دهد که می‌توانند ما را در زندگی فلج کنند، و اشتباه است که بپنداریم

چیزهایی همچون روان‌شناسی مدرن می‌توانند جایگزین آن شوند. فلسفه یعنی یادگیری زیستن، یادگیری نرسیدن از چهره‌های مختلف مرگ؛ یا به زبان ساده‌تر، یادگیری پیروزی بر ابتذال زندگی روزمره، یعنی ملال و حس گذر زمان: این‌ها انگیزه‌های نخست مکاتب یونان باستان بودند. پیام آن‌ها باید گوش شنوایی بیابد، چون برخلاف آن‌چه در تاریخ و علوم انسانی رخ می‌دهد، فیلسوفان گذشته در زمان حال با ما سخن می‌گویند. و این چیزی است که سزاوار تأمل و تفکر است.

هنگامی که بطلان نظریه‌ای علمی هویدا می‌شود، و هنگامی که نظریه‌ای دیگر که با آن هر درست‌تر می‌نماید آن را باطل می‌کند، آن نظریه منسوخ می‌شود و دیگر، به جز برای تنی چند از دانشمندان و تاریخ‌نگاران، جذابیت خود را از دست می‌دهد. ولی پرسش‌های بزرگ فلسفی درباره‌ی چه‌گونه زیستن هنوز هم جذابیت و اهمیت خود را از دست نداده‌اند. از این منظر، می‌توانیم تاریخ فلسفه را به پای علوم با هنر مقایسه کنیم: همان‌طور که زیبایی نقاشی‌های براک یا کاندینسکی از نقاشی‌های ورمر یا مانه کم‌تر نیست، تأملات و اندیشه‌های کانت یا نیچه درباره‌ی معنا یا بی‌معنایی زندگی نیز از افکار و اندیشه‌های اپیکتتوس، اپیکور، یا ارداپست‌تر یا بلندتر نیست. آن‌ها همه گزاره‌هایی درباره‌ی زندگی، و گراوردها، در برابر هستی ارائه می‌دهند که از فراسوی سده‌ها همچنان با ما سخن می‌گویند. اگرچه شاید امروزه نظریه‌های علمی بطلمیوس یا دکارت «عجیب» بنمایند و تنها از نظر تاریخی جذاب باشند، از نظرگاه قرن بیست‌ویکمی خود، دست همان‌طور که معبدی یونانی یا طوماری چینی را می‌ستاییم، خرد جمعی دوران باستان را نیز ستایش می‌کنیم.

کتاب حاضر نیز به تأسی از گفت‌وگوهای اپیکتتوس در سال ۱۰۰ میلادی، که نخستین راهنمای مکتوب فلسفه است، مستقیماً با مخاطبان سخن می‌گوید. امیدوارم خوانندگان این کتاب لحن کلام مرا به‌جای نشان‌آشنایی، نشان‌هم‌داستانی بدانند.